

درآمدی بر نظریه رجالی آیه الله خامنه ای؛ مبانی، فواید و آرای رجالی

مهدی غلامعلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

چکیده

نظرگاه فقیه را در مهم ترین مسائل رجالی، همچون راوی شناسی، کتاب شناسی رجالی، قواعد رجالی در توثیقات عام و خاص، سندشناسی و نکات رجالی، می توان نظریه رجالی وی دانست. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به نظریه رجالی آیه الله خامنه ای، با روش تحلیل بینامتنی و براساس مباحث فقهی دروس خارج فقه ایشان سامان یافته است. بخشی از دستاوردهای پژوهش پیش رو چنین است: آیه الله خامنه ای شیوه اعتبارسنجی وثاقت سندی را برگزیده است، باب اجتهاد رجالی را گشوده می داند و قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته و برتری نجاشی را باور دارد. برای توسعه در راوی شناسی، شمار قابل توجهی از قواعد توثیقات عام را با شرایطی پذیرفته است که عبارت اند از: توثیق مشایخ ثقات سه گانه، توثیق مشایخ جعفر بن بشیر، توثیق مشایخ در اکثر ارجاء (توثیق عملی)، تصحیح روایات و توثیق اصحاب اجماع، توثیق راویان کتاب های تفسیر القمی و کتاب کامل الزیارات، و پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در الکافی از سوی دیگر، قواعدی چون توثیق برخاسته از ترخم و ترضی، توثیق مشایخ صدوق و توثیق راویان کثیرالروایه را نمی پذیرد. تضعیفات ابن غضائری را قابل اعتماد ندانسته و غلو و اتهام به غلو راویان را از سوی دانشمندان قمی، اشتباه آن ها قلمداد کرده و به پندار آنان وقعی نمی نهد. کلیدواژه ها: نظریه رجالی، مبانی رجالی، آرای رجالی، آیه الله خامنه ای، توثیقات عام، قواعد رجالی.

۱. درآمد

شمار اندکی از فقیهان معاصر، مانند آیات سید ابوالقاسم خویی، محمد آصف محسنی،

۱. استاد دانشگاه قرآن و حدیث (mahdigh53@gmail.com).

مسلم داوری و جعفر سبحانی، اندیشه‌های رجالی خویش را به صورت مستقل در یک اثر رجالی ارائه کرده‌اند. اما دستیابی به دیدگاه رجالی بسیاری از فقیهان، تنها با پژوهش و تحلیل متنی داده‌ها، یعنی شیوه‌های اعتبارسنجی روایات در مباحث فقهی ایشان میسر است.

از واکاوی مباحث رجالی هر فقیه در عرصه‌های راوی‌شناسی، کتاب‌شناسی رجالی، قواعد رجالی در توثیقات عام و خاص، سندشناسی و نکات رجالی می‌توان نظریه رجالی وی را بازسازی کرد.

تا کنون اندیشه رجالی شماری از فقیهان معاصر، با تحلیل متنی متون فقهی استخراج شده و پاره‌ای از آن‌ها نیز منتشر شده است.^۱

آنچه پژوهش پیش‌رو عهده‌دار آن است، واکاوی نظریه رجالی آیه‌الله خامنه‌ای است. این پژوهش بر آن است که دیدگاه ایشان را در مباحثی چون چرایی حجیت قول رجالی، شیوه اعتبارسنجی روایات (وثاقت سندی یا وثاقت صدور)، قواعد رجالی پذیرفته شده در توثیقات عام و احیاناً اثرپذیری از دیگر رجالیان، تبیین نماید.

این نوشتار با تحلیل متنی شمار بسیاری از متون مباحث فقهی منتشر شده آیه‌الله خامنه‌ای در کتاب‌های المکاسب، القصاص، الصلاة و الغناء سامان یافته است.

۲. پیشینه

تاکنون سه اثر، نزدیک به برخی از پرسش‌های پژوهش حاضر، تدوین شده است. نخست، مقاله‌ای است در بیان دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای در قاعده مشایخ اصحاب اجماع که نویسنده بیش از آن‌که به دیدگاه ایشان بپردازد، مباحث پیرامونی را توسعه داده است.^۲ روشن است مقاله یادشده تنها بخشی از نظریه رجالی ایشان را بیان کرده است.

اثر دوم، کتابچه‌ای با عنوان «کلیات و فواید علم حدیث و رجال‌شناسی در اندیشه

۱. به عنوان نمونه: «نظریه رجالی آیه‌الله مسلم داوری، با تمرکز بر مبانی، روش و آرا»، دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیام، سید علی سجادی، سید مجتبی مجاهدیان، مهدی غلامعلی، ۴۰۲ ش؛ «واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیه‌الله میرزا جواد تبریزی»، مصطفی قدیم‌آبادی، مهدی غلامعلی، پژوهش‌های رجالی، سال پنجم، ش ۵، ۴۰۱ ش؛ «واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیه‌الله هاشمی شاهرودی»، عباس خورشیدی، مهدی غلامعلی، پژوهش‌های رجالی، سال چهارم، ش ۴، ۴۰۰ ش.

۲. «قاعده رجالی اصحاب اجماع از دیدگاه حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای»، مرتضی یقینی‌پور، پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۱ ش.

آیه‌الله العظمی خامنه‌ای^۱ است که گردآورندگان، تنها متون متعددی را در مسائل رجالی از لابه لای درس‌های خارج کتاب المکاسب و القصاص ایشان استخراج کرده‌اند.^۱ در پژوهش حاضر به این کتاب نیز مراجعه شده است. این اثر کامل نیست و هنوز تا نشر رسمی فاصله دارد. افزون بر آن، این کتاب تنها به نقل مستقیم متون درس خارج فقه بسنده کرده و فاقد تحلیل و بررسی داده‌هاست.

اثر سوم، رساله سطح چهار در حوزه علمیه قم با عنوان «تحلیل و نقد حال راویان مختلف فیه از منظر آیه‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) و آیه‌الله زنجانی (دامت برکاته)» است که به تازگی دفاع شده است.^۲ هدف این رساله، ارزیابی و تبیین دیدگاه راجح در بازشناسی راویان مورد اختلاف از منظر دو شخصیت معاصر بوده و الزامی بر استخراج مبانی رجالی آیه‌الله خامنه‌ای نداشته است. هرچند نکات شایسته‌ای هم‌افق با پرسش‌های پژوهشی مقاله حاضر در آن یافت می‌شود.

بنا بر آن چه گذشت، مقاله یا نوشتاری مستقل ویژه مجموعه دیدگاه‌های رجالی ایشان تاکنون منتشر نشده است. پژوهش حاضر در چهار بخش تدوین شده است:

۱. شخصیت رجالی،

۲. مبانی رجالی،

۳. آرای رجالی،

۴. فواید رجالی.

۳. شخصیت رجالی

سید علی حسینی خامنه‌ای (متولد ۱۳۱۸ش)، فرزند حجة الاسلام حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، دانش‌آموخته حوزه‌های علمیه مشهد، قم و نجف اشرف است. ایشان در درس خارج فقه و اصول شماری از فقیهان نام‌آشنا، چون حضرات آیات: سید محمد هادی میلانی (در مشهد)، حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، سید محمد محقق داماد (در قم) و سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید

۱. این کتاب به صورت غیررسمی برای همایش علوم اسلامی با عبارت ویراست نخست، غیرقابل استناد در نسخه‌های معدودی چاپ شده است.

۲. رساله «تحلیل و نقد حال راویان مختلف فیه از منظر آیه‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) و آیه‌الله زنجانی (دامت برکاته)» سید حمید موسوی حسب، راهنما: مهدی غلامعلی، مشاور: حیدر مسجدی، ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ش، حوزه علمیه قم.

محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و میرزا حسن بجنوردی (در نجف) تلمذ کرده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد بیشترین بهره‌های علمی ایشان از آیات عظام میلانی، بروجردی و امام خمینی حاصل شده است. ستایش شخصیت رجالی ایشان در گفتار برخی از محققان معاصر، همچون مرحوم آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، به چشم می‌خورد.^۲ آیه الله خامنه‌ای از فقیهانی است که علاقه مندی او به دانش رجال، در مباحث حدیث پژوهی روایات فقهی، کاملاً مشهود است. وی پیش‌ترین علاقه مندی را با تدوین کتاب «چهار کتاب اصلی علم رجال» نشان داده است.^۳ همچنین در ارزیابی‌های تفصیلی و گسترده اسناد روایات فقهی و حتی گاه روایات اخلاقی، در سلسله جلسات درس‌های فقهی، می‌توان تبهر رجالی وی را رصد کرد.

از ویژگی‌های عملکرد رجالی آیه الله خامنه‌ای می‌توان عدم تعصب ویژه به دیدگاه افراد خاص را برشمرد. اگرچه وی شاگرد آیه الله بروجردی بوده است، اما این‌گونه نیست که بر دیدگاه استاد متوقف شده باشد. در مباحث اعتبارسنجی روایات، انظار سه رجالی معاصر بیش از دیگران مورد مذاقه ایشان قرار گرفته است: حضرات آیات بروجردی، شوشتری و خوبی. تقریباً در تمام مباحث راوی شناسی، دیدگاه آیه الله خوبی دیده شده و بارها نظر ایشان را ترجیح داده‌اند؛ مانند مبحث ناووسی نبودن ابان بن عثمان. معمولاً پس از بیان دیدگاه‌ها، ارزیابی نظرات محققان معاصر را نیز بیان می‌کنند. مثلاً می‌گویند:

در مورد ابان بن عثمان، البته بعضی‌ها گفته‌اند ناووسی است، لکن ناووسی بودن ابان بن عثمان ثابت نشده است. مرحوم آقای خوبی در این زمینه تحقیق خوبی دارند. ایشان می‌فرمایند: ناووسی بودن او ثابت نیست. حق هم با ایشان است.^۴

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیه الله خامنه‌ای (khamenei.ir).

۲. ویژه‌نامه ارزش‌ها، بهمن ۱۳۷۶: آیه الله خامنه‌ای در مسائل رجالی دارای معلومات بسیار خوبی هستند و در این حوزه واقعاً کار کرده‌اند. ایشان از جمله مجتهدینی هستند که به مسائل رجالی اهمیت می‌دهند؛ مسائلی را قبول کرده و اشکالات وارد را رفع نموده‌اند... و در مجموع تفوق چشمگیری در مسائل رجالی دارند...

۳. کتاب «چهار کتاب اصلی علم رجال» را می‌توان از نخستین آثار کتاب‌شناسی رجال به زبان فارسی برشمرد. آیه الله خامنه‌ای در این کتاب بسیار مختصر، ضمن اشاره به تاریخ تدوین رجال امامیه، به معرفی دو کتاب اختیار معرفه الرجال و الفهرست شیخ طوسی پرداخته‌اند. از مطالب انتهایی کتاب می‌توان دریافت که نویسنده قصد معرفی دو کتاب رجال الطوسی و رجال النجاشی را هم داشته که فرصت نیافته است. کتاب مذکور توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی در تهران به چاپ رسیده است. چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۷۴ ش، منتشر شده و همچنین به وسیله ماجد الغریبوی به عربی ترجمه شده و با نام الاصول الأربعة فی علم الرجال، در سال ۱۴۱۴ ق، به چاپ رسیده است.

۴. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

در ردّ دیدگاه اساتید نیز با بیانی لطیف، مطلب را تبیین می‌کنند. به عنوان نمونه، تضعیف محمد بن سنان را از استاد خود، بروجردی، نمی‌پذیرند؛ اما این مطلب را این‌گونه بیان می‌کنند:

محمد بن سنان که از طبقه ششم می‌باشد، مختلفاً فيه است. مرحوم سید استاد ما، آیه‌الله بروجردی - رضوان‌الله علیه - که خریّت این فن بودند، ایشان را ثقه نمی‌دانستند و مشهور هم همین است و ایشان رمی به غلو و کذب شده است، لکن قولی هم به وثاقت ایشان وجود دارد که به نظر ما این قول بعید نیست.^۱

آیه‌الله خامنه‌ای وقتی دیدگاهی را نمی‌پذیرند، به تحلیل اجمالی یا تفصیلی آن دیدگاه اهتمام می‌ورزند. به عنوان مثال، علامه شوشتری، علی بن محمد بن قتیبه را - بنا بر روایت کشّی که از فردی نام نمی‌برد و او را ثقه در نیشابور دانسته است - توثیق می‌کند. این استظهار پسند آیه‌الله خامنه‌ای نیست. از این رو، در ردّ دیدگاه شوشتری به اجمال می‌گویند:

انصافاً ضعف بیان صاحب قاموس هم آشکار است. ممکن است کشّی، از شخص دیگری نقل کرده باشد. به چه دلیل می‌گویید کسی که کشّی از او نقل کرده است و او را توثیق کرده است، عیناً همان کسی است که شیخ صدوق، از او نقل کرده است؟ بنابراین، با این تشبّات نمی‌شود به این سند اعتماد کرد... انصافاً چنین اعتمادی نمی‌شود پیدا کرد که انسان بخواهد قتیبی را از این طریق توثیق کند.^۲

توجه ویژه به قاموس الرجال در سرتاسر مباحث رجالی آیه‌الله خامنه‌ای مشهود است، به ویژه آن‌که برخی نظرات ویژه محقق شوشتری، مانند قول به تفصیل در پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در کتاب الکافی،^۳ مختار ایشان است.^۴ از این رو، برخی گمان کرده‌اند که اندیشه رجالی آیه‌الله خامنه‌ای متأثر از علامه شوشتری است،^۵ اما راقم این سطور - که شاهد

۱. کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۲. کتاب المکاسب، جلسه ۴۱۰.

۳. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۲، محقق شوشتری درباره سهل بن زیاد این‌گونه می‌نویسد: لکن یمكن أن یقال: إنّ الكلینی اختار من روایاته، كما اختار من روایات عمّار؛ فالعمل مجمل. لکن حیث توخّی الکافی جمع الأخبار الصحیحة، فأخبار سهل فیهِ معتبرة.

۴. درس خارج قصاص جلسه ۱۱.

۵. «تحلیل و نقد حال راویان مختلف فیهِ از منظر آیه‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) و آیه‌الله زنجانی (دامت برکاته)»،

دیگر اندیشی‌های متعدد آیه‌الله خامنه‌ای در راوی‌شناسی و نقد دیدگاه‌های قاموس الرجال بوده است - نمی‌تواند اثرپذیری ویژه‌ای را برای ایشان از رجالیان معاصر ثبت کند.

۴. مبانی رجالی

نظر به روش آیه‌الله خامنه‌ای در اعتبارسنجی روایات می‌توان ایشان را در شمار طرفداران شیوه وثاقت سندی برشمرد؛ به گونه‌ای که در تمام مباحث فقهی ابتدا اسناد روایات فقهی بررسی، و سند را مهم‌ترین یا تنها راه اعتبار حدیث برمی‌شمرند. روشن است در این دیدگاه، روایت مرسل نهایت افاده‌اش تنها برای تأیید است و نمی‌تواند به عنوان دلیل ایفای نقش کند،^۱ مگر آن‌که اطمینان پیدا شود که اصحاب ما در دوره متقدم به همین روایت ضعیف یا مرسل عمل کرده‌اند، که این عمل اصحاب جابر ضعیف سند خواهد شد.^۲

تفاوت آشکار مبناي آیه‌الله خامنه‌ای با مبناي استاد ایشان آیه‌الله بروجردی این است که برای استاد عمل اصحاب مهم‌ترین معیار صحت روایت بود و حال آن‌که در منظر آیه‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین معیار صحت روایت، سند معتبر است. البته هر دو شخصیت، روایت معرض عنها را در شمار روایات ضعیف و قابل تأمل ارزیابی می‌کنند.^۳ آنچه وی را از بسیاری از وثوق سندی‌ها ممتاز می‌سازد، توسعه در راوی‌شناسی و پذیرش بیشتر قواعد توثیقات عام است.

او به اقوال رجالیان کهن توجه ویژه دارد، و سخن نجاشی را بیش و پیش از دیگران معتبر می‌داند. از تحلیل متون فقهی ایشان می‌توان دریافت که قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته‌اند.^۴ بنابراین، تقدم قول نجاشی بر سخن دیگر رجالیان، برپایه همین مستند استوار است.

تضعیفات ابن غضائری را به هیچ وجه قابل اعتماد نمی‌داند. به این دیدگاه در بررسی رجالی راویانی چون مفضل بن صالح،^۵ قاسم بن یحیی^۶ و اسماعیل بن مهران^۷ تصریح کرده

۱. صلاة المسافر، ص ۶۵ و ۶۶، جلسه ۱۳۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰، جلسه ۱۳۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۲، جلسه ۱۳۸.

۴. درس خارج فقه مکاسب محرّمه، جلسه ۲۴۷.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲؛ خارج فقه مکاسب محرّمه، جلسه ۱۳۶ و ۲۶۴.

۶. خارج فقه مکاسب محرّمه، جلسه ۱۵۴.

۷. المكاسب المحرّمه، جلسه ۴۱۷.

است. همچنین غلو و اتهام به غلو راویان را از سوی دانشمندان قمی اشتباه آن‌ها قلمداد کرده و به پندار آن‌ها وقعی نمی‌نهند.^۱

آیه الله خامنه ای بر این باورند که قمی‌ها بسیاری را رمی به غلو کرده‌اند که آن‌ها فقط روایتی را در بیان مقامات ائمه علیهم‌السلام گزارش کرده بودند. و از آنجا که قم در وسط یک جامعه بزرگ غیر شیعی (اصفهان، کاشان و...) بوده، این‌گونه حساسیت‌ها وجود داشته است. همچنین معتقدند که حتی اگر این راویان، غالی در حق ائمه هم باشند، این یک مسئله معرفتی است و تلازمی با عدم وثاقت ندارد.^۲ البته فساد حدیث غالی، در صورت اثبات، در عرصه روایاتی که بوی غلو می‌دهد، قابل تأمل دانسته می‌شود.^۳

باب اجتهاد رجالی را گشوده دانسته و اگرچه بر خبرویت قول رجالی و برتری نجاشی باور دارند، اما در راوی شناسی، به ویژه در تعارض جرح و تعدیل، به اجتهاد روی آورده و حتی از قول نجاشی نیز عبور می‌کنند. شاهد باز این عملکرد، بررسی شخصیتی مفضل بن عمر است که نجاشی وی را فاسد المذهب، مضطرب الروایة و خطابی توصیف و ضعیف شمرده^۴ و در مقابل، شیخ مفید او را از خواص امام و ثقه دانسته است.^۵ کشی نیز دو دسته روایات مدح و قدح را درباره وی گزارش کرده است.^۶ ایشان ضمن تبیین داده‌ها، استدلال‌های علامه شوشتری^۷ و آیه الله خویی^۸ را تحسین کرده و سرانجام به توثیق مفضل بن عمر حکم می‌کند.^۹

۵. آرای رجالی

می‌دانیم بیشتر راویان اسناد روایات فاقد توثیق و تضعیف خاص هستند. از این رو، تمسک به قواعد توثیق عام برای برون رفت از این چالش بهترین مسیر فراروی فقیهان

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.
۲. کتاب مکاسب، جلسه ۲۵.
۳. کتاب صلاة المسافر، ج ۱، ص ۳۹۲.
۴. رجال النجاشی، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.
۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶.
۶. رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۱۲.
۷. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۲۱۵.
۸. معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۳۲۸.
۹. درس خارج فقه مکاسب محرمة، جلسه ۲۴۷.

سند محور است. شماری از فقیهان معاصر، مانند آیه الله خویی، بیشترین قواعد را قابل نقاش و غیر قابل قبول دانسته اند. در مقابل، گروهی نیز مانند آیه الله بروجردی بسیاری از این قواعد را پذیرفته اند. آیه الله خامنه ای نیز به گروه دوم متمایل تر است. در ادامه، شماری از آرای رجالی ایشان را در توثیقات عام برمی کاویم:

۱-۵. توثیق مشایخ ثقات سه گانه

بر پایه کلامی از شیخ طوسی در کتاب العدة فی اصول الفقه، مراسلات محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ق) و احمد بن محمد بن ابی نصر (م ۲۲۱ق) با مُسندات آن‌ها یکسان است و مشایخ این سه نفر ثقه هستند.^۱ از کلام شیخ طوسی، این گونه برداشت می شود می شود که سیره عملی و روش این سه دانشمند ثقه تنها روایت از استاد ثقه بوده و از راویان ضعیف و مجهول نقل روایت نمی کردند.

پذیرش این قاعده موجب توثیق شمار قابل توجهی از راویان (حدود هفتصد نفر) می شود.^۲ آیه الله خامنه ای در توثیق شمار قابل توجهی از راویان مجهول، به قاعده توثیق مشایخ ثقات استناد کرده و ضمن پذیرش این قاعده تصریح می کنند که مستند و شهادت شیخ طوسی در العدة را پذیرفته اند.^۳ ایشان بر این باورند که حتی اصحاب به مراسیل آنان هم، مانند مسندات آن‌ها، تکیه می کردند.

دو نکته در بیانات ایشان مهم می نماید: نخست، این که قدر متیقن از عبارت شیخ طوسی که فرموده: «لَا يَرُوونَ وَلَا يُرْسِلُونَ إِلَّا عَمَّنْ يُوثِقُ بِهِ»،^۴ این است که این سه نفر از کسانی نقل می کردند، که ثقه بوده اند، چه نام آن‌ها را بیاورند و چه نیاورند؛ یعنی استاد بدون واسطه این سه نفر ثقه هستند و مراسلات بلاواسطه آن‌ها قابل قبول است. بنابراین، اگر آن‌ها با دو واسطه از امام معصوم نقل کنند، تنها نفر اول ثقه است. به عنوان نمونه وقتی ابن ابی

۱. و إذا كان أحد الراويين مسندا والآخر مرسلا، نظرفی حال المرسل، فإن كان ممن يعلم أنه لا يرسل إلا عن ثقة موثق به، فلا ترجيح لخبر غيره على خبره، ولأجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير و صفوان بن يحيى و أحمد بن محمد بن أبي نصر- و غيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون إلا عن موثق به- و بين ما أسنده غيرهم، و لذلك عملوا بمراسيلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم (العدة، ج ۱، ص ۱۵۴).

۲. آقای عرفانیان شمار راویان مشمول این قاعده را ۵۸۸ نفر، آقای شیخ مسلم داوری ۷۶۷ نفر و آقای تجلیل ۴۷۸ نفر می دانند (قواعد توثیق راویان، ص ۱۰۸).

۳. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

۴. العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

عمیراز هشام بن سالم و او از سلیمان اسکاف نقل کند، بنا بر قاعده، تنها هشام توثیق می‌شود.

نکته دومی که آیه‌الله خامنه‌ای بر آن تأکید دارند، تفاوت تفسیر از قاعده مشایخ ثقات و اصحاب اجماع است. در اصحاب اجماع ایشان براین باورند که سند اگر به درستی به اصحاب اجماع برسد، حدیث صحیح است و راویان ما بعد آن بررسی نمی‌شود. اما دلالت مستند قاعده مشایخ ثقات صحت حدیث نیست، بلکه تنها توثیق مشایخ این سه نفر است.^۱

به عبارت دیگر، کارایی قاعده مشایخ ثقات رجالی و کارایی قاعده اصحاب اجماع درایه‌ای است. به عنوان نمونه، درباره مفضل بن صالح که در مواردی وی را پیش‌تر تضعیف کرده بودند،^۲ به قرائن متعددی برای توثیق وی روی آورده‌اند که از مهم‌ترین قرائن همین قاعده توثیق راویان مشایخ ثقات است. وی می‌گوید:

از جمله قرائنی که بر وثاقت مفضل بن صالح می‌توان به آن استناد کرد، نقل صفوان بن یحیی، بزندی و ابن ابی عمیر از اوست. این مشایخ ثلاثه کسانی هستند که روایت نمی‌کنند الا عن ثقة، این را به عنوان مبنا در مباحث رجالی پذیرفتیم که آن کسی که این سه نفر از او روایت می‌کنند، مورد وثوق هستند.^۳

ایشان از این قاعده برای توثیق راویانی چون قاسم بن محمد جوهری^۴ و موسی بن بکر^۵ بهره برده‌اند.

بنابراین، کارایی قاعده مشایخ ثقات، رجالی است، نه درایه‌ای. البته باید توجه داشت که هر سه راوی، در شمار اصحاب اجماع بوده و بنا بر مستند قاعده اصحاب اجماع و مبنای آیه‌الله خامنه‌ای حدیث ایشان صحیح است.

۲-۵. توثیق مشایخ جعفر بن بشیر

جعفر بن بشیر یا ابو محمد بجلي و شاء (م ۲۰۸ق) از راویان ثقة، زاهد و عابد کوفه بوده

۱. رک: کتاب المکاسب، جلسه ۶۲.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲؛ خارج فقه مکاسب محرّمه، جلسه ۱۳۶ و ۲۶۴.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۵۹۳.

۴. کتاب المکاسب المحرّمه، جلسه ۵۹ و ۵۹۳.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

است. نجاشی پس از توثیق وی به نقل از ابن نوح می نویسد:

كان يلقب ففحة العلم، روى عن الثقات ورووا عنه.^۱

از این عبارت برداشت شده که جعفر بن بشیر تنها از راویان ثقه نقل روایت می کند و قاعده ای در توثیقات عام شکل گرفته مبنی بر این که تمام مشایخ جعفر ثقه هستند.^۲ آیه الله خامنه ای جعفر بن بشیر را راوی عالی قدر و ثقه دانسته و قاعده توثیق مشایخ او را نیز پذیرفته است.^۳ وی با تکیه بر همین قاعده مفضل بن صالح را توثیق می کند.^۴

۳-۵. توثیق مشایخ در اکثار أجلاً (توثیق عملی)

یکی از قواعد رجالی که آیه الله خامنه ای در بررسی بسیاری از اسناد به آن تکیه و در توثیق راویان مجهول از آن بهره می برد، قاعده اکثار مشایخ اجلاً است. در این قاعده به این پرسش پاسخ داده می شود که روایت بزرگان و اجلاً طایفه از یک راوی مجهول تا چه اندازه می تواند توثیق آن راوی را در پی داشته باشد؟ به بیان دیگر، آیا روایت بزرگان یا کثرت روایت ایشان از یک راوی، بروثاقت آن راوی دلالت می کند یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول، کثرت روایت بزرگان از یک راوی مجهول دلیل بروثاقت راوی است. دیدگاه دوم، روایت بزرگان از یک راوی مجهول - حتی اگر پرسامد هم نباشد - بروثاقت آن راوی دلالت دارد.

دیدگاه سوم، روایت بزرگان حتی اگر کثرت هم داشته باشد، دلالتی بروثاقت آن مشایخ ندارد.^۵ آیه الله خامنه ای دیدگاه اول را پذیرفته اند.

مدعیان دیدگاه اول و حتی دیدگاه دوم به دلایلی چون سیره جاری بین محدثان، سیره عقلا و روایتی در کتاب کشی استناد می کنند. کشی در ذیل معرفی محمد بن سنان، برای اعتبار بخشی به وی می نویسد:

۱. رجال النجاشی، ص ۱۱۹ ش ۳۰۴.

۲. رک: اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲ ص ۲۳۰.

۳. کتاب القصاص، جلسه ۱۴۴.

۴. کتاب المکاسب، جلسه ۳۳۴.

۵. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲ ص ۳۳۱.

قَدْ رَوَى عَنْهُ الْفَضْلُ وَأَبُوهُ وَيُونُسُ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى الْعَبِيدِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ابْنَا سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّانِ وَابْنَا دُنْدَانَ وَأَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ وَغَيْرُهُمْ، مِنَ الْعُدُولِ وَالثَّقَاتِ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ.^۱

به نظر می‌رسد کشتی با معرفی شاگردان و راویان جلیل و ثقه‌ای که از محمد بن سنان حدیث نقل کرده‌اند و همچنین عبارت پایانی «وَعَيْرُهُمْ، مِنَ الْعُدُولِ وَالثَّقَاتِ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ» در مقام ترفیع جایگاه محمد است.

آیه‌الله خامنه‌ای با سه شرط نقل ثقات را نشانگر وثاقت مشایخ ایشان می‌داند:

شرط اول، ناقل و شاگرد راوی مجهول، باید از اجلاً و بزرگان باشد؛

شرط دوم، اجلاً باید مکرر و بسیار از راوی مجهول نقل روایت کنند. نقل معدود و اندک نمی‌تواند تلازمی با وثاقت مشایخ اجلاً داشته باشد؛

شرط سوم، این‌که راوی مجهول در نزد رجالیان تضعیف نشده باشد. البته مقصود از تضعیف آن دسته از ضعف‌هایی است که وثاقت راوی را نشانه رفته باشد نه ضعف‌های مربوط به مذهب و یا حدیث پژوهی راوی.

برای نمونه، آیه‌الله خامنه‌ای با علم به این‌که: «معلی بن محمد» فاقد توثیق خاص است، اما وی را ثقه می‌داند و دلیل وثاقت را هم کثرت روایات حسین بن محمد اشعری از معلی بن محمد می‌داند و تصریح می‌کند که:

نمی‌شود یک فقیه و محدث بزرگی مثل حسین بن محمد، از شخصی که مورد وثوق او نیست و او را توثیق نمی‌کند و ثقه نمی‌داند، پیش از سی صد روایت در ابواب مختلف فقهی، اخلاقی، اعتقادی و غیره نقل بکند! انسان‌های معمولی ممکن است از افراد ضعیف نقل بکنند، لکن بزرگانی که مقید بودند که در شرایع دین، احکام دین هر چیزی را از هر کسی نقل نکنند؛ کسی مثل حسین بن محمد با این جلالت مقامی که ایشان دارند، جزو بزرگان اشعریین قمیین است، از یک شخصی که موثوق به و مورد اعتماد نیست، این همه روایت در ابواب مختلف فقهی نقل کند، بسیار بعید است.^۲

ایشان در ادامه تضعیفاتی چون مضطرب الحدیث و المذهب را - که نجاشی برای معلی

۱. رجال الکشی، ص ۵۰۸ و ۵۰۷.

۲. المکاسب المحرمه، جلسه ۳۳۳.

بن محمد آورده^۱ - قابل جمع با وثاقت راوی ارزیابی می‌کند. در مقابل، اگر اکثراً اجلاً از یک راوی با تضعیفِ خاصّ او تعارض داشته باشد، تضعیف خاصّ مقدّم می‌شود؛ چنان‌که از «محمد بن علی کوفی، ابوسمینه» بزرگانی چون احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد ابی القاسم ماجیلویه روایات فراوانی نقل کرده‌اند؛ اما در نقطه مقابل این اکثار، جرحی صریح وجود دارد و بزرگان علم رجال او را با عبارات شدیدی جرح کرده‌اند.^۲ بنابراین، جرح خاصّ مقدم است و روایات وی نامعتبر شمرده می‌شود.^۳ باید توجه داشت که این تقدّم جرح، از باب تعارضِ جرح و تعدیل نیست؛ زیرا توثیقی که از «اکثار در روایت» به دست می‌آید، توثیقِ صریح نیست، بلکه صرفاً قرینه و آماره توثیق به شمار می‌رود، و آماره توان مقاومت در برابر جرح صریح را ندارد.^۴ آیه الله خامنه‌ای از قاعده اکثار برای توثیق راویان بسیاری بهره برده است که می‌توان به توثیق افرادی چون ابراهیم بن هاشم،^۵ معلی بن محمد،^۶ جابر بن یزید جعفی^۷ و محمد بن موسی بن متوکل^۸ براساس این قاعده اشاره کرد. در این نظریه دو نکته اساسی وجود دارد: نخست آن‌که چه کسانی در جایگاه «اجلاً» قرار می‌گیرند، و دوم آن‌که «کثرتِ نقل» بر چه مقدار از روایات اطلاق می‌شود. از روش معظم‌له چنین برمی‌آید که تنها کسانی که در کتب رجال با تعبیر «جلیل‌القدر» معرفی شده‌اند در شمار اجلاً قرار نمی‌گیرند، بلکه هر فردی که در میان محدّثان به بزرگی، فقاہت و عظمت علمی شناخته شده باشد - اگر عباراتِ صریحِ رجالی در دست نباشد - با داشتن قرائن معتبر بر جلال، داخل در عنوان «جلیل‌القدر» محسوب می‌شود. از سوی دیگر، عدد خاصّ و دقیقی درباره میزانِ نقلِ لازم برای صدق عنوان «کثرتِ روایت» از ایشان به دست نمی‌آید؛ اما از تتبع در موارد کاربرد این تعبیر روشن می‌شود که حداقل حدود یکصد روایت را می‌توان نشانه‌ای از «کثرتِ نقل» دانست، در حالی که

۱. رجال النجاشی، ص ۴۲۸ ش ۱۱۱۷

۲. نجاشی می‌نویسد: ضعیف جداً لا یتمد علیہ بشیء.

۳. صلاة مسافر، جلسه ۱۱۲؛ صلاة جماعت، جلسه ۶۰.

۴. صلاة مسافر، جلسه ۱۱۲؛ صلاة جماعت، جلسه ۶۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۲۰.

۶. المكاسب المحرّمه، جلسه ۹۵، ۲۶۸ و ۳۳۳.

۷. المكاسب المحرّمه، النوع الثانی: ما یحرم لتحریم ما یقصد به، جلسه ۱۰۱.

۸. کتاب المكاسب، جلسه ۲۶۵.

نقل‌هایی در حدود بیست یا سی روایت، برای صدق این عنوان کافی شمرده نشده است. به عنوان نمونه شمارگان بیش از سه هزار روایت بزرگانی چون علی بن ابراهیم و صفار از ابراهیم بن هاشم،^۱ سیصد روایت حسین بن محمد اشعری از معلی بن محمد^۲ و صد روایت صدوق از محمد بن موسی بن متوکل^۳ را برای کارایی قاعده کافی دانسته‌اند، ولی حدود سی روایت شیخ صدوق از عبدالواحد بن عبدوس را برای توثیق وی ناکافی ارزیابی کرده‌اند.^۴ از نگاه آیه الله خامنه ای نه تنها بزرگانی چون صفار، علی بن محمد علان کلینی، شیخ کلینی و شیخ صدوق، از محدثان جلیل القدر هستند، حتی «ابراهیم بن هاشم قمی» - که توثیق صریح ندارد - نیز می‌تواند از اجلاً باشد؛^۵ چه این‌که ایشان بر این باورند قرائن بیان شده در منابع رجالی جایگاه راوی را می‌تواند تبیین کند. از این رو، وقتی ابراهیم بن هاشم اولین کسی است که حدیث کوفه را به قم آورده است، پدر حدیث قم به شمار می‌آید و قمی‌های محتاط و بسیار مقید در نقل حدیث - که ناقلان از ضعف را از شهر بیرون می‌کردند - با اشتیاق تمام روایات ابراهیم را قبول کردند.^۶ بنابراین، وی نه تنها ثقة، بلکه از اجلای امامیه است.

۵-۵. تصحیح روایات و توثیق اصحاب اجماع

از قواعد مهم و پرکاربرد دانش رجال، شهادت شیخ کشی درباره سه گروه از اصحاب ائمه علیهم‌السلام است که با عنوان «قاعده اصحاب اجماع» شناخته می‌شود. تکرار عبارت مشترک «أَجْمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصْحُ مِنْ هَؤُلَاءِ وَتَصَدِيقِهِمْ لِمَا يَقُولُونَ»، با اندکی تفاوت در سه متن، منشأ برداشت‌های متعددی شده است.

این تفاوت برداشت‌ها در نهایت به پنج دیدگاه مشهور درباره مفهوم این عبارت انجامیده است:

دیدگاه اول: تنها وثاقت خود اصحاب اجماع (۱۸ تا ۲۲ نفر).

دیدگاه دوم: صحّت روایات اصحاب اجماع.

دیدگاه سوم: صحّت روایات اصحاب و وثاقت اصحاب اجماع.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۲۰.

۲. المکاسب المحرّمه، جلسه ۳۳۳.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۲۶۵.

۴. کتاب المکاسب المحرّمه، جلسه ۴۱۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۹۵.

۶. همان، جلسه ۱۲۰.

دیدگاه چهارم: صحت روایات، وثاقت اصحاب اجماع و توثیق واسطه‌های نقل از اصحاب اجماع تا معصوم علیهم‌السلام.

دیدگاه پنجم: بیان مقام فقهی اصحاب اجماع.^۱

آیه‌الله خامنه‌ای در ارزیابی اسناد، عملاً دیدگاه سوم را برگزیده است. وی می‌افزاید که از عبارات مستند رجال کثی برمی‌آید که اصحاب اجماع، فقیه، دین‌شناس و حدیث‌شناس اند و تعبیرهای «فقاہت» و «صحت» که در سه مستند آمده، با یکدیگر ارتباط دارند. مقصود آن است که این افراد، به اجماع اصحاب، دین‌شناس و فقیه بوده و از مضمون روایت، صحت و اتقان آن را درمی‌یابند.

براین اساس، نقل آنان برای اعتماد به روایت کافی است.^۲

در نظرگاه ایشان، آن دسته از اصحاب اجماع که مانند «ابان بن عثمان در کلام رجالیان متقدم توثیق نشده‌اند، به دلیل آن‌که در شمار اصحاب اجماع هستند، نه تنها ثقه بلکه در بالاترین درجه وثاقت هستند». ^۳ ایشان براین باور است که شاید شبهه‌ای در تصحیف عبارت‌های «ثقة» نجاشی و شیخ طوسی، وجود داشته باشد - هر چند غیر قابل اعتنا - محتمل باشد، ولی در عبارت «أَجْمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَي تَصْحِيحِ مَا يَصْحُحُ عَنْهُمْ» نمی‌توان تردید کرد که کمترین چیزی که از این عبارت فهمیده می‌شود، وثاقت آن‌هاست.^۴

آیه‌الله خامنه‌ای درباره دلالت عبارت کثی قائل به صحت روایاتی است که اصحاب اجماع نقل می‌کنند. وی تصریح می‌کند:

اگر روایتی را [اصحاب اجماع] نقل کردند، آن روایت را ما قبول می‌کنیم؛ یعنی نگاه نمی‌کنیم به راوی بعد از کسی که جزو اصحاب اجماع است.^۵

بنابراین، قاعده اصحاب اجماع بیش از آن‌که جنبه رجالی داشته باشد، کاربرد درایه‌ای دارد. براین اساس، روایانی که پس از اصحاب اجماع تا امام معصوم قرار دارند، نیاز به بررسی رجالی جداگانه ندارند. حتی اگر ادامه روایت مرسل باشد یا روایانی مجهول یا مجروح

۱. قواعد رجالی، ص ۱۳۳ تا ۱۳۹.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۳۲۴.

۳. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۴. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۵. صلاة جماعت، جلسه ۱۲؛ کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

در میان باشند، به صحت روایت آسیبی وارد نمی شود؛ زیرا مطابق ادبیات متقدمان، صحت روایت برای این افراد با قرائن مختلف مورد تأیید شمرده می شده است.^۱

تنها شرطی که آیه الله خامنه ای برای شمولیت این قاعده قائل اند، این است که دامنه قاعده تنها افراد غیراختلافی اصحاب اجماع را در بر می گیرد.^۲

فضای هر سه عبارت در رجال کشی کاملاً فقهی است و هر سه متن ذیل عبارت «تسمیة الفقهاء» آمده است. آیه الله خامنه ای می گوید:

از عبارت کشی به دست می آید که ایشان به فقاہت آنان هم توجّه داشته است؛ یعنی چون ایشان فقیه و حدیث شناس اند و کلام امام علیه السلام را می فهمند، لذا اگر روایتی را ولو از طریق مجهولی (که البته برای ما مجهول است، چون او می داند که از چه کسی نقل شده)، یا به نظر ما از شخص مجروحی نقل کنند، این سند درست است؛ چون اطمینان به صحت سند داشته اند. و اگر مطمئن نبودند، آن را نقل نمی کردند. این معنای عبارت شیخ کشی است.^۳

شایان ذکر است که مجموع افرادی که در سه عبارت کشی از آن ها یاد شده، بیست و دو نفر هستند. از این میان، هجده نفر در هر سه طایفه مورد اجماع شمرده می شوند. در طایفه اول و سوم، چهار نفر مورد اختلاف بین فقهای امامیه قرار دارند که به تعداد مجمعین افزوده می شود.

بنابراین، قدر متیقن قاعده شانزده نفر می شوند که درباره آن ها هیچ اختلافی گزارش نشده و عبارت اند از:

زراره بن اعین شیبانی، معروف بن خربوذ مکی، برید بن معاویة عجللی، فضیل بن یسار نهدی، محمد بن مسلم طائفی، جمیل بن ذرّاج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، أبان بن عثمان، یونس بن عبد الرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبد الله بن مغیره و احمد بن محمد بن ابی نصر بن زینبی.

بنا بر دیدگاه آیه الله خامنه ای، هر شانزده نفر ثقه هستند و روایاتی که ایشان از هریک از این افراد - چه مُسنداً و چه مرسلأ - از معصوم نقل می کنند، صحیح محسوب می شود.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۰، ۱۵ و ۲۲.

۲. همان، جلسه ۱۵.

۳. همان، جلسه ۲۲.

۵-۶. توثیق راویان کتاب تفسیر القمی

در مقدمه کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی (زنده به سال ۳۰۷ق) آمده است:
و نحن ذاکرون و مخبرون بما یتتہی إلینا، و رواہ مشایخنا و ثقأتنا عن الذین فرض الله
طاعتهم، و أوجب ولایتهم، و لا یقبل عمل إلا بهم.^۲

این عبارت زمینه ساز قاعده رجالی توثیق راویان کتاب تفسیر القمی شده است.
شیخ حرعاملی با استناد به آن به ثبوت احادیث تفسیر القمی و وثاقت راویان آن پی برده^۳
و رجالی معاصر آیه الله خویی نیز بر این باور است که استنتاج صاحب وسائل کاملاً صحیح
است؛ زیرا علی بن ابراهیم با بیانش درصدد اثبات صحّت تفسیر خود برآمده و بر آن است تا
نشان دهد که روایاتش از معصومان صادر شده و از رهگذر مشایخ و ثقات شیعه رسیده
است. از این رو، دلیلی نیست که توثیق مورد بحث را - آن گونه که برخی پنداشته اند - به
مشایخ بی واسطه علی بن ابراهیم ویژه کرد.^۴
در انتساب کتاب به علی بن ابراهیم، یا عدم انتساب آن، یا انتساب بخشی از کتاب به
وی، سه دیدگاه مطرح است که آیه الله خامنه ای دیدگاه سوم، یعنی انتساب بخشی از کتاب
را پذیرفته است.

همچنین در دلالت متن مقدمه بر توثیق راویان تفسیر القمی، یا توثیق همه راویان
بلاواسطه، یا عدم توثیق مطلق، حداقل سه دیدگاه وجود دارد که آیه الله خامنه ای دیدگاه
نخست، یعنی توثیق تمام راویان را برگزیده است. البته وی شمول این قاعده را تنها برای
بخش هایی از کتاب که قطعاً از علی بن ابراهیم است، جاری می داند.^۵
بر اساس پژوهش های جدید اگر انتساب تمامی کتاب را به علی بن ابراهیم بپذیریم، روایان ۶۸۰
روایت، در دایره توثیق عام قرار می گیرند. اما بر اساس دیدگاهی که تنها بخش هایی از کتاب به تفسیر

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۲ ح ۴۳: حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ بِنْتُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجَبِ سَنَةِ تِسْعِ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَانِئِمْ
سَنَةَ سَبْعِ وَثَلَاثِينَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ...

۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۳۲۳.

القمی اختصاص یافته است، این تعداد به ۳۸۰ روایت کاهش می یابد.^۱
 آیه الله خاتمه ای تصریح می کنند:

ما همان گونه که بر رجال اسناد کامل الزیارات اعتماد داریم، بر رجال تفسیر القمی نیز تکیه می کنیم. با این حال، مسلم نیست که همه روایات موجود در تفسیر از علی بن ابراهیم باشد؛ زیرا احتمالاً بخشی از آن با تفسیر ابی الجارود مخلوط شده است.^۲

ایشان بر این باورند که در مواردی که یقین حاصل شود روایت از بخش تفسیر القمی است، باید حکم به وثاقت آن کرد.^۳

طبیعی است که در مواردی که تردید باشد روایتی از تفسیر القمی است یا تفسیر ابی الجارود، نمی توان قاعده توثیق عام را اجرا کرد. از این رو، ایشان درباره یحیی بن المبارک - که در تفسیر القمی آمده است - به همین دلیل تصریح می کنند که شمول توثیق عام علی بن ابراهیم درباره وی احراز نمی شود.^۴

آیه الله خاتمه ای، با توجه به کلمه ثقاتنا در مقدمه تفسیر، شمول قاعده را تنها برای کسانی می دانند که امامی بودن ایشان ثابت شده باشد و برای راویان مجهول المذهب یا عامی این قاعده را جاری نمی دانند.^۵

آیه الله خاتمه ای راویانی چون ابوالورد^۶ و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی^۷ را با تکیه بر قاعده توثیق راویان تفسیر القمی، ثقه دانسته اند.

۷-۵. توثیق راویان کتاب کامل الزیارات

ابن قولویه (م ۳۶۸ یا ۳۶۹ق) در مقدمه کتاب کامل الزیارات^۸ تصریح می کند که احادیث

۱. قواعد توثیق راویان، ص ۶۳؛ «نقد و بررسی تفسیر قمی»، ص ۴۹.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۷۳ و ۷۴.

۳. همان، جلسه ۷۴.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۷۳.

۵. کتاب المکاسب، جلسه ۲۷۲. بنابراین، سلیمان بن مسلم الخشاب، عبد الله بن جریح مکی و عطاء بن ابی رباح را مشمول قاعده نمی دانند؛ هرچند که نام ایشان در تفسیر القمی آمده است.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۱۷۹.

۷. همان، جلسه ۸۵.

۸. کامل الزیارات، ص ۴: «وَلَمْ أُخْرِجْ فِيهِ حَدِيثًا رَوَى عَنْ غَيْرِهِمْ، إِذَا كَانَ فِيهَا رُوِيَ عَنْهُمْ مِنْ حَدِيثِهِمْ كَفَايَةً عَنْ حَدِيثِ غَيْرِهِمْ. وَقَدْ عَلِمْنَا أَنَّ لَا نُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا رَوَى عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَا فِي غَيْرِهِ. لَكِنْ، مَا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ ←

کتابش را از روایان شیعه ثقه نقل می‌کند. این عبارت از زمان شیخ حرعاملی تاکنون مورد مناقشه بوده است. تاکنون سه دیدگاه و برداشت از مقدمه ابن قولویه ارائه شده است:

دیدگاه اول، توثیق تمام روایان شیعی سلسله اسناد متصل تا معصوم.

دیدگاه دوم، توثیق روایان بدون واسطه ابن قولویه.

دیدگاه سوم، عدم دلالت بر توثیق یا مدح روایان.

شیخ حرعاملی^۱ دیدگاه اول، محدث نوری^۲ و آیه الله خویی^۳ دیدگاه دوم و آیه الله سیستانی^۴ دیدگاه سوم را اختیار کرده‌اند.

با توجه به عملکرد آیه الله خامنه‌ای در سندشناسی، می‌توان دریافت که ایشان با شیخ حرعاملی هم‌داستان بوده و تمام روایان طرق کامل الزیارات را ثقه می‌داند. مستند وی ظهور عبارت ابن قولویه است. از این رو، می‌گوید:

«ابن قولویه در آغاز کتاب خود می‌گوید: «من از رجال ثقات نقل می‌کنم». البته بعضی گفته‌اند مراد از «ثقات»، مشایخ بلاواسطه خود ایشان است، ولی این با ظاهر متن سازگار نیست؛ زیرا مقصود ایشان از ذکر این مطلب، بیان اعتبار کتاب است و این اعتبار با وثاقت تنها نفر اول از روایت و معلوم نبودن حال نفرات بعد ثابت نمی‌شود، بلکه با وثاقت تمامی سلسله اسناد محقق می‌گردد. بنابراین، ظاهر کلام ایشان آن است که همه افراد واقع در سند به نظر او موثق می‌باشند.^۵

گفتنی است، آیه الله خامنه‌ای دیدگاه نخست آیه الله خویی و عدول از آن را بیان و این بازگشت را خلاف ظاهر ارزیابی کرده‌اند.^۶

→ مِنْ أَصْحَابِنَا، رَجَمَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ. وَلَا أُخْرِجُ فِيهِ حَدِيثًا رُوِيَ عَنِ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ، يُؤَيِّدُ ذَلِكَ عَنْهُمْ عَنِ الْمَدْكُورِينَ، غَيْرِ الْمَعْرُوفِينَ بِالرِّوَايَةِ الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَالْعِلْمِ.

۱. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰. آیه الله خویی ابتدا دیدگاه اول را پذیرفته بودند و با شیخ حرعاملی هم‌داستان بودند، اما از این دیدگاه عدول کرده و به دیدگاه دوم متمایل شدند (رک: اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

۴. قاعدة لا ضرر ولا ضرار، ص ۲۱.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۰۹. در همین جلسه این قاعده را به طور مفصل تبیین کرده‌اند و در جلسات دیگری نیز به این نکته تصریح کرده‌اند، مانند: جلسه ۱۲۵.

۶. همان، جلسه ۰۹.

به نظر می‌رسد قائلین دیدگاه اول از عبارت «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا» مفهوم «ما وَصَلَ إلینا» را دریافت کرده‌اند، که برگردان دقیق آن، راویانی است که در سلسله سند متصل ابن قولویه تا معصوم قرار دارند.

در این دیدگاه، از عبارت «من أصحابنا» مندرج در مقدمه ابن قولویه معمولاً برداشت شده که این توثیق عام تنها شامل راویان شیعه می‌شود. اما آنچه در عملکرد آیه‌الله خامنه‌ای نیازمند تأمل بیشتر است، این است که ایشان برای توثیق محمد بن اسماعیل سکونی نیز در مواردی به قاعده توثیق راویان کامل الزیارات استناد کرده‌اند.^۱

این بیان یکی از دو احتمال را تقویت می‌کند: نخست این که ایشان سکونی را عامی نمی‌دانند و یا دست کم در مذهب وی تردید دارد. مویید این احتمال بیاناتی است که در بعضی از جلسات درس ایراد کرده‌اند:

اگرچه سکونی معروف است که عامی است. البته به نظر ما عامی بودن سکونی مسلم نیست.^۲

از بعضی از نقل‌ها استفاده می‌شود که ایشان شیعه و معتقد به ولایت ائمه علیهم‌السلام بوده.^۳

بعضی از بزرگان اهل رجال هم احتمال داده‌اند شیعه بوده و تقیه می‌کرده است.^۴

احتمال دوم این است که آیه‌الله خامنه‌ای بر این باورند که این توثیق شامل تمام راویانی است که در سلسله سندهای کتاب آمده است. چنانچه تصریح می‌کنند:

مبنای ما ثقة بودن همه رجال کامل الزیارات است.^۵

در این صورت، باید تنها شامل راویانی شود که تضعیف خاصی برای آن‌ها در منابع رجالی و روایی نیامده باشد. در این صورت، قاعده فوق، با فرض بر این که سکونی عامی هم باشد، وی را در بر می‌گیرد.^۶

۱. همان، جلسه ۸۵.

۲. کتاب المکاسب، جلسه ۶۰۰.

۳. کتاب المسافر، جلسه ۴۵.

۴. همان، جلسه ۶۰۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۹.

۶. آیه‌الله خامنه‌ای تنها آن دسته از روایات سکونی را که مخالف مشهور و قواعد مسلم فقه نبوده، و معارض نداشته باشد می‌پذیرند (رک: همان، جلسات ۴۷، ۸۵، ۸۷ و ۹۶).

آیه‌الله خامنه‌ای برای توثیق بسیاری از روایان مانند حسین بن یزید نوفلی،^۱ قاسم بن محمد جوهری،^۲ علی بن حاتم قزوینی،^۳ عبد الله بن محمد بن عیسی اشعری^۴ و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی^۵ به قاعده توثیق روایان کامل الزیارات تمسک جسته‌اند.

۵-۸. پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در کتاب الکافی

گذشت که آیه‌الله خامنه‌ای قاعده اکثار اجلاً را پذیرفته‌اند. با این حال، در شرایط آن براین باورند که اگر اکثار اجلاً با تضعیف صریح رجالیان تعارض داشته باشد، تضعیف مقدم است. براین اساس، بر مبنای اکثار، باید قائل به تضعیف سهل بن زیاد شوند. به ویژه آن‌که نجاشی درباره وی تصریح می‌کند:

كان ضعيفاً في الحديث، غير معتمد فيه. و كان أحمد بن محمد بن عيسى يشهد عليه بالغلو والكذب وأخرجه من قم إلى الري.^۶

اما آیه‌الله خامنه‌ای در این مسئله خاص دیدگاه متفاوتی دارند. ایشان با پیروی از علامه شوشتری در قاموس الرجال^۷ براین باورند که سهل بن زیاد را نمی‌توان به طور مطلق ثقه برشمرد؛ زیرا وی روایات ضعیفی گزارش کرده و متهم به غلو، کذب و ضعف است.

با این حال، روایاتی را که کلینی از وی در الکافی نقل کرده، صحیح می‌دانند. به عبارت دیگر، وثاقت سهل را در پاره‌ای از روایات وی. آنچه در الکافی آمده. می‌توان پذیرفت. همین مبنا را توسعه داده و گاه بر افرادی چون حمید بن زیاد واقفی نیز تطبیق می‌دهند و روایات او را تصحیح و شخصیتش را توثیق می‌کنند.^۸

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۵۰.

۲. کتاب المكاسب المحرّمة، جلسه ۵۹ و ۵۹۳.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۵۰.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۹.

۵. همان، جلسه ۴۷ و ۸۵.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۷. کتاب القصاص، جلسه ۱۷. آیه‌الله خامنه‌ای: البته این نظر، ابتکاری ما نیست. مبتکر این نظر مرحوم شوشتری - رضوان الله علیه - صاحب قاموس الرجال هستند و ما این نظر را پسندیدیم و به نظرم آن حرف درستی است و لذا ما هم به روایات ایشان (سهل بن زیاد) در الکافی اعتماد می‌کنیم.

۸. کتاب القصاص، جلسه ۱۱.

آیه‌الله خامنه‌ای در جلسه هفدهم درس خارج کتاب القصاص درباره سهل چنین می‌گویند:

... ما به روایات سهل بن زیاد که در «الکافی» از ایشان نقل شده است، اعتماد داریم. البته فرمایشات آیه‌الله خویی و برخی دیگر از بزرگان و همچنین جمع‌بندی برخی از دوستانی که برای ما ارسال کرده‌اند - که همه در مجموع به اعتماد به سهل بن زیاد اشاره دارند - را نیز مشاهده کرده‌ایم.

با این حال، این اعتماد را به طور مطلق نمی‌پذیریم. چرا که نجاشی، که خریط فن و از برجسته‌ترین علمای رجالی ماست، درباره او می‌گوید: «غیر معتمد، ضعیف فی الحدیث». همچنین، احمد بن محمد بن عیسی، رئیس اشعریون در قم، علیه وی شهادت داده است که او متهم به غلو و کذب بوده است: کان یشهد علیه بالغلو و الکذب.^۱

بنابراین، نمی‌شود به طور مطلق به روایات این بزرگوار اعتماد کرد و اگر به روایتش در الکافی اعتماد می‌کنیم به خاطر عظمت و شخصیت کلینی است. کلینی خودش اهل ری بود و از این بزرگوار با یک واسطه روایت می‌کند. آن واسطه هم عده‌ای می‌باشند که در میان آن‌ها علی بن محمد علان کلینی است که ثقة و بسیار شخص عالی‌قدری است و صدها مورد از این بزرگوار احکام را روایت کرده است... [از طرفی] انصافاً هم هر جا ما روایت سهل بن زیاد را در الکافی ملاحظه می‌کنیم، غالباً همین روایت رایج و معمول به و معروف عند الاصحاب است.^۲

بنا بر آنچه گذشت، ایشان با گردآوری چند قرینه به پذیرش روایت سهل در الکافی روی آورده‌اند:

۱. شخصیت کلینی: جایگاه رفیع وی، اهل ری بودن و نزدیکی زمانی وی با سهل.
۲. شاگردان سهل: واسطه بین کلینی و سهل گروهی از اجلا هستند، مانند علان کلینی
۳. نقل روایات الزام‌آور: کلینی و علان روایات گسترده‌ای در حیطه احکام از وی نقل کرده‌اند که میان روایات از جایگاه بالایی برخوردار است.

۱. نه تنها به غلو او شهادت داده می‌شد، بلکه در برخی موارد، افرادی غلو را به وی نسبت دادند و ما معتقدیم که این اشتباه بوده است، زیرا قمی‌ها گاهی مواردی را که غلو نبود، به اشتباه غلومی دانستند. در واقع، علیه او شهادت به کذب داده شد و به همین دلیل، وی از قم به ری تبعید گردید.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

۴. وجدان: متن روایات سهل در الکافی در قیاس روایات دیگر راویان در همان موضوع، همخوانی دارد.

۹-۵. پذیرش قاعده ترخّم و ترصّی

از مشهورترین قواعد توثیقات عام، «ترحم و ترصّی» است و به ویژه عملکرد شیخ صدوق در این حوزه اهمیت دارد. در این زمینه چهار دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: دلالت ترخّم و ترصّی بروثاقت.

دیدگاه دوم: عدم دلالت ترخّم و ترصّی بروثاقت.

دیدگاه سوم: تفصیل میان ترخّم و ترصّی.

دیدگاه چهارم: دلالت ترخّم و ترصّی بر تشیّع راوی.

دیدگاه اول، رأی مختار جمعی از اخباریان است که بر این باورند ترخّم و ترصّی برای بیان جلالت، توثیق یا مدح راوی به کار می‌رود. قائلین دیدگاه دوم، از جمله بسیاری از اصولیان مانند آیه الله خویی، معتقدند ترخّم و ترصّی دلالتی بروثاقت ندارد.^۱

در دیدگاه تفصیل، میان الفاظ تفاوت گذاشته شده است. بر اساس این نظر، عبارت «غفر الله له» فاقد وصف مدح و توثیق است، عبارت «ترخّم» بیانگر مدح است و عبارت «ترصّی» دلالت بروثاقت راوی دارد.^۲

به نظر می‌رسد آیه الله خامنه‌ای دیدگاه چهارم را پذیرفته‌اند. ایشان نهایت دلالت «ترخّم» و «ترصّی» صادر شده از محدثانی همچون شیخ صدوق را - که به دلایل الفاظ آگاه بوده و در به کارگیری آن‌ها محتاط هستند - صرفاً بر شیعه بودن راوی می‌دانند و آن را تلازمی با وثاقت وی نمی‌دانند.^۳

۱۰-۵. عدم پذیرش قاعده توثیق راویان کثیر الروایة

بر اساس یکی از قواعد توثیق عام، کثرت نقل روایت یک راوی خود می‌تواند دلیل بروثاقت وی باشد. قائلین این دیدگاه به روایات امام صادق علیه السلام در دیباجه کتاب رجال الکشی، مانند «اعرفوا منازل الرجال منّا علی قدر روایاتهم عنّا»^۴، استناد می‌کنند.

۱. قواعد رجالی، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۲۲۱ و ۲۶۵.

۴. رجال الکشی، ص ۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۳.

با این حال، غالب فقهای معاصر دلالت مستندات این قاعده را ناقص دانسته و از آن اعراض کرده‌اند. آیه‌الله خامنه‌ای نیز در سلسله دروس خارج فقه بارها بر عدم پذیرش این قاعده تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه، درباره «معلی بن محمد» می‌فرمایند:

به دلیل کثرت روایت وی، بعضی او را ثقة می‌دانند، لکن کثرت روایت از او دلیل وثاقت نمی‌شود.^۱

۵-۱۱. عدم پذیرش توثیق مشایخ صدوق

دیدگاه‌های مختلفی در توثیق مشایخ صدوق و مشایخی که مورد ترحم و ترضی قرار گرفته‌اند، میان برخی رجالیان مطرح است. مشهور محدثان و فقیهان، مشایخ صدوق را صرفاً به دلیل شاگردی نزد وی ثقة نمی‌دانند. آیه‌الله خامنه‌ای نیز با این نظر موافق است و معتقد است که شاگردی نزد شیخ صدوق به تنهایی دلالتی بر وثاقت ندارد.

با این حال، ایشان آن دسته از مشایخی را که شیخ صدوق از آنان اکثار در نقل دارد، ثقة می‌داند و وثاقت آنان را بر اساس قاعده اکثار مشایخ اجلاً تأیید می‌کند. اما درباره فردی مانند عبد الواحد بن عبدوس - که استاد شیخ صدوق بوده و تنها در موارد اندکی از او نقل روایت شده است - آیه‌الله خامنه‌ای وثاقت وی را نمی‌پذیرد، هرچند برخی بزرگان معاصر او را ثقة ارزیابی کرده‌اند.^۲ آیه‌الله خامنه‌ای درباره عبد الواحد می‌گوید:

به صرف این که ایشان شیخ [و استاد] صدوق است و صدوق از ایشان روایت نقل می‌کند نمی‌توانیم وثاقت عبدالواحد بن عبدوس را ثابت کنیم.^۳

۶. فواید رجالی

شماری از نکات ارزشمند رجالی در لابلای مباحث دروس خارج آیه‌الله خامنه‌ای وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به عنوان فواید رجالی مرور کرد. برخی از این نکات بیانگر زاویه دید و برخی مبانی رجالی ایشان است. در این بخش، تلاش شده است الفاظ ایشان با دقت حفظ شود:

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۶۳.

۲. آیه‌الله شبیری زنجانی درباره سندی که نام عبدالواحد بن محمد بن عبدوس در آن است می‌گوید: سند این روایت به نظر ما معتبر است؛ زیرا عبدالواحد بن محمد بن عبدوس - که در سند این روایت آمده - از مشایخ صدوق است (کتاب الصوم (شبیری)، ج ۴، ص ۸۸۸).

۳. کتاب المکاسب المحرمه، جلسه ۴۱۰.

فایده اول: تقدم قول نجاشی

در تعارض بین قول نجاشی و شیخ طوسی، آیه الله خامنه ای قول نجاشی را مقدم می داند:

در تعارض بین قول نجاشی و شیخ طوسی قول نجاشی مقدم است.^۱

به خاطر اشتغالات زیادی که مرحوم شیخ داشته اند و تبحر ایشان در علوم مختلف فقه، تفسیر، حدیث، کلام و رجال که نشانه عظمت علمی ایشان می باشد... از این گونه اشتباهات در آثار ایشان دیده می شود و لذا ما قول نجاشی را در موارد اختلاف بین نظر ایشان و شیخ در جرح و تعدیل رجال بر نظر شیخ ترجیح می دهیم.^۲

به عنوان نمونه نجاشی درباره داود بن کثیر رقی می نویسد:

ضعیف جداً، والغلاة تروی عنه. قال أحمد بن عبد الواحد: قل ما رأيت له حديثاً
سديداً.^۳

و شیخ طوسی تصریح به وثاقت وی می کند. آیه الله خامنه ای وی را ضعیف می داند.^۵
عکس این مطلب درباره ابو خدیجه سالم بن مکرم است؛ در این مورد، تعارض دو دیدگاه
شیخ و نجاشی وجود دارد و آیه الله خامنه ای جهت تقدم قول نجاشی، وی را ثقه می داند.^۶

فایده دوم: عدم تلازم وثاقت با مذهب

مرحوم نجاشی درباره معلی بن محمد فرموده است:

مضطرب الحديث والمذهب.

آیه الله خامنه ای بر این باور است که:

اولاً: مضطرب المذهب بودن، دلالت بر عدم وثاقت نمی کند. در میان روایت کسانی
هستند که اصل ولایت را هم قبول ندارند، اما مورد وثوق اند، مثل حفص بن غیاث.
اما مضطرب الحديث که ایشان فرمودند، معنایش این است که بعضی از احادیث او
را قبول می کنیم و بعضی ها را قبول نمی کنیم. بعضی مثلاً از درجه بالاتری برخوردار

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۸۳.

۲. همان، جلسه ۳۰۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۸۳.

۶. همان.

است. این بیان نجاشی، معنایش نفی وثاقت و تضعیف نیست.^۱

فایده سوم، پذیرش قول شیخ در العدة

پذیرش قول راویانی که در شیخ طوسی در العدة آن‌ها را مورد اعتماد دانسته، هرچند تصریح بر وثاقت ایشان نکرده و غیر امامی هستند نظیر طلحة بن زید^۲ و غیاث بن کلوب و سکونی:^۳

اصحاب به روایات این اشخاص اعتماد کردند، از جمله سکونی و غیاث بن کلوب را اسم آوردند، با این‌که این‌ها عادل نیستند، چون غیر امامی اند. اما چون ثقه‌اند، مورد اعتماد علما قرار دارند.

البته ایشان تصریح به وثاقت نمی‌کنند، اما می‌گویند مورد اعتمادند. بنابراین، ما روایات غیاث بن کلوب را مادامی که معارض با روایت صحیح از طریق خودمان نباشد، قبول می‌کنیم.^۴

فایده چهارم، توثیق راویان زیدی

ایشان توثیقات ابن عقیده، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید را - که زیدی مذهب هستند - می‌پذیرند.^۵ به نظر می‌رسد که روایات راویان زیدی ثقه را نیز صحیح می‌شمرند.^۶ نمونه:

سلیمان بن خالد طبق طبقه‌بندی مرحوم آقای بروجردی جزو راویان طبقه چهارم شمرده می‌شود، وی در زمره اصحاب حضرت باقر و حضرت ابی عبدالله می‌باشد و او هم مرد بزرگی است، منتها درباره‌اش نظرات مختلفی وجود دارد؛ چون مدتی متهم شده بود به این‌که زیدی است و جزو کسانی است که در کنار جناب زید جنگیده است. اما ما این را جزو افتخارات او می‌دانیم، لکن گویا در آن وقت به خاطر این‌که بدون اجازه امام این حرکت انجام گرفته، برخی آن را عیب می‌دانستند. به هر حال، از نظر ما سلیمان بن خالد هم ثقه است.^۷

۱. المکاسب المحرّمة، جلسه ۳۳۳.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۹.

۳. همان، جلسه ۲۸۱.

۴. همان، جلسه ۱۷۳.

۵. کتاب صلاة المسافر، جلسه ۱۷۳.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۲۷۸.

۷. همان، جلسه ۱۷.

فایده پنجم، صحیح دانستن احادیث فطحیه

در مورد فطحیه باید دانست که نه تنها در مورد خانواده بنو فضّال، بلکه نسبت به سایر فطحیه هم جازم به بقای ایشان بر این مسلک نیستیم؛ چون اینان قائل به امامت عبدالله افطح شدند و عبدالله بعد از دو سه ماه رحلت کرد و فطحیه به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رجوع کردند و امامت سایر ائمه را معتقد بودند و آن بزرگواران نیز تصریح به عدم امامت عبدالله نمودند. حال چگونه ممکن است که ایشان با فرض قبول امامان بعدی، به امامت عبدالله باقی باشند. باور این مطلب بسیار مشکل است و شاید سرّ این که این نام همچنان بر آنان باقی مانده این است که این‌ها با هم روابط اجتماعی و تعامل سیاسی و همگرایی داشتند. لذا این جمع به این اسم شناخته شدند. بنابراین، از این جهت مشکلی وجود ندارد، چون همه توثیق شده‌اند.^۱

از این رو، ایشان علی بن اسباط را ثقه و روایات وی را صحیح می‌شمارد.^۲

فایده ششم، عدم پذیرش قول ابن ولید در مستثنیات نوادر الحکمة

منشأ تضعیف مرحوم صدوق و دیگران مثل مرحوم علامه چیست؟ منشأ همه این‌ها کلام محمد بن الحسن بن الولید، استاد صدوق می‌باشد که می‌گوید: من به روایات نوادر الحکمة اعتماد می‌کنم، مگر روایاتی که از این اشخاص نقل کرده است. بعد تعدادی از اشخاص را نام می‌برد که از جمله آنان، محمد بن عیسی است... این فرمایش را از ابن الولید، کسی غیر از صدوق تلقی به قبول نکرده است. شیخ طوسی و دیگران هم از صدوق گرفته‌اند...^۳

محمد بن عیسی بن عبید الیقینی ثقه است. بعضی به تبع مرحوم صدوق و صدوق هم به تبع شیخ خودشان محمد بن الحسن بن الولید، در مورد او شبهه کرده‌اند؛ لکن بزرگان دیگر، ایشان را جلیل القدر و بزرگ دانسته و ما نیز ایشان را ثقه می‌دانیم و به

۱. همان، جلسه ۳۱۳.

۲. کتاب المکاسب المحرّمه، النوع الخامس: الاکتساب بعمل محرّم فی نفسه، جلسه ۵۲۳، کتاب القصاص جلسه ۲۸۰.

۳. کتاب القصاص، جلسه ۲۲. بارها درباره محمد بن عیسی در مباحث یاد کرده‌اند. در کتاب الصلاة نیز ضمن تخطئه دیدگاه ابن ولید و صدوق و تأیید نجاشی و... به دفاع از ابن ولید با تکیه بر سخن علامه محمد تقی مجلسی می‌پردازند و بیان می‌دارند که تضعیف محمد بن عیسی به صورت مطلق نبوده، بلکه تضعیف نقل وی از استادش یونس بن عبد الرحمان است که به دلیل صغر سن در دوره تحمل است، نه آن‌که در وثاقت وی تردید باشد. بنابراین، در دیگر اسناد وثاقت وی مورد تردید نیست (کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۷۳، جلسه ۱۶۶).

روایاتش اعتماد می‌کنیم.^۱

فایده هفتم، اخذ مشایخ قبل از انحراف

علی بن ابی حمزه بطائنی بنا بر شهادت نجاشی از ستون‌های اساسی واقعه است.^۲ و بنا بر قول علی بن حسن بن فضال متهم به کذب است.^۳ نقل گسترده بزرگان امامیه از ایشان مربوط به قبل از انحراف وی بوده است، با این حال در صورتی می‌توان به روایات علی اعتماد کرد که اشکال دیگری در بین نباشد.^۴

فایده هشتم، دیدگاه خاص درباره اخراج برقی از قم

احمد بن محمد بن خالد برقی ثقة است، اما احمد بن محمد بن عیسی، وی را از قم بیرون کرد، به خاطر نقل از ضعاف... احمد بن محمد بن عیسی فقط یک عالم نبود، یک راوی نبود، ایشان رئیس و حاکم قم هم بود، ایشان عرب بود. احمد بن محمد بن خالد برقی اهل برفرود قم بود، و جناب احمد بن محمد بن عیسی یک تعصب عربی‌ای دارد که من نمی‌خواهم وارد بشوم. سر قضیه وصایت حضرت جواد برای حضرت هادی، یک قضیه‌ای مرحوم کلینی در الکافی نقل می‌کند که نشان می‌دهد ایشان بالاخره عرب بودند و یک حالت عصبیت عربی داشتند، ممکن است مثلاً یک اختلاف نظری بین ایشان و برقی وجود داشته، نقل از ضعاف هم جزوش بوده، نه این‌که بگوییم اخراج صرفاً به خاطر نقل از ضعاف بوده [است].^۵

فایده نهم، عدم پذیرش تعویض و تبدیل سند

در موارد متعددی به این شیوه اشاره و اشکالات آن را بیان کرده و آن را نپذیرفته‌اند:^۶
... پس مسئله تبدیل سند را که مرحوم خوئی و تلامذه ایشان روی آن تکیه کرده‌اند، برای ما قابل توجه نیست.^۷

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۲ و ۳۵.

۲. همان، جلسه ۲۴.

۳. رجال الکشی، ص ۴۰۴؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۹.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۲۰۸. مثلاً با روایت صحیح دیگری تعارض نداشته باشد، یا در روایت منفرد باشد.

۵. درس خارج صلاة جماعت، جلسه ۴۱.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۶؛ کتاب المکاسب، جلسه ۱۴۳ و ۱۴۴.

۷. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۶.

فایده دهم، مرسلات صدوق

مرحوم استاد ما آیه‌الله میلانی قائل بودند که هرگاه مرحوم صدوق روایتی را بدون ذکر واسطه، مستقیم از امام نقل کند، به خاطر جلالت قدر و عظمت مقام صدوق بدون احراز صحت، سخنی را بیهوده به امام نسبت نمی‌دهد، آن روایت صحیح است و هر کجا که با تعبیر «رُوی» نقل می‌کند، معتبر نیست. و این مطلب به نظر ما کامل نیست؛ چون چه بسا روایت سند به نظر ایشان مورد اعتمادند، لکن به نظر ما محل اعتماد نباشند، یا قرینه‌ای بر صدور قائم شده که به نظر ایشان کافی است، ولی اگر برای ما مطرح می‌شد، تمام نبود.^۱

فایده یازدهم، عدم تفاوت بین مرسلات و مرفوعات

اگر ما مرسلات را معتبر ندانستیم، مرفوعات را هم نمی‌توانیم معتبر بدانیم. بعضی از اهل درایه بین این‌ها فرق گذاشتند، مرفوعات را جزو روایات قابل اعتماد ذکر کردند، مرسلات را جزو روایات غیر قابل اعتماد. نه، این‌ها در یک حکم اند. إنما الکلام در این است که این کسی که رافع است [کیست؟ اگر رافع] ابن ابی عمیر است، مرسلاتش هم در حکم مُسندات است.^۲

۷. جمع بندی

دیدگاه‌های رجالی آیه‌الله خامنه‌ای پس از تحلیل متنی متون مباحث فقهی دروس خارج ایشان به اختصار چنین است:

۱. در مباحث اعتبارسنجی روایات، دیدگاه‌های سه رجالی معاصر (آیات بروجردی، شوشتری و خوبی) بیش از دیگران مورد مذاقه ایشان قرار گرفته است. نمی‌توان اثرپذیری ویژه‌ای را از رجالیان معاصر برای ایشان اثبات کرد.
۲. باب اجتهاد رجالی را گشوده دانسته و در راوی‌شناسی، به ویژه در تعارض جرح و تعدیل، به اجتهاد روی آورده و حتی از قول نجاشی نیز عبور می‌کنند.
۳. در شیوه اعتبارسنجی روایات، در شمار طرفداران شیوه وثاقت سندی است.
۴. قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته و سخن نجاشی را بیش و پیش از دیگران معتبر می‌داند.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲.

۲. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۵۵۶، جلسه ۱۷۲.

- تضعیفات ابن غضائری را به هیچ وجه قابل اعتماد نمی‌داند.
۵. غلو و اتهام به غلوراویان را از سوی دانشمندان قمی اشتباه آن‌ها می‌داند و راویان غالی نزد قمی‌ها را غالی نمی‌داند.
۶. غلوراویان غالی در حق ائمه را - که ثابت شده است - متلازم با عدم وثاقت نمی‌داند.
۷. قاعده توثیق مشایخ ثقات را پذیرفته و کارایی آن را تنها رجالی می‌دانند و درایه‌ای نمی‌داند.
۸. قاعده توثیق مشایخ جعفر بن بشیر را پذیرفته است.
۹. کثرت روایت بزرگان از یک راوی مجهول را با سه شرط دلیل بروثاقت راوی ارزیابی می‌کند: شرط اول، ناقل و شاگرد راوی مجهول، باید از اجلاً و بزرگان باشد؛ شرط دوم، اجلاً باید مکرر و بسیار از راوی مجهول نقل روایت کنند؛ شرط سوم، این‌که راوی مجهول در نزد رجالیان تضعیف نشده باشد.
۱۰. نهایت دلالت مستندات کشی در اصحاب اجماع را در صحت روایات اصحاب اجماع و وثاقت ایشان می‌داند.
۱۱. بخشی از کتاب تفسیر را منتسب به قمی دانسته و دلالت متن مقدمه بر توثیق تمام راویان تفسیر القمی را می‌پذیرند و شمول این قاعده را تنها در بخش‌هایی از کتاب - که قطعاً از علی بن ابراهیم است - جاری می‌داند.
۱۲. با توجه به ظهور عبارت ابن قولویه، تمام راویان طرق کامل الزیارات را ثقه می‌داند.
۱۳. با پیروی از علامه شوشتری بر این باورند که سهل بن زیاد را نمی‌توان به طور مطلق ثقه برشمرد؛ زیرا روایات ضعیفی را گزارش کرده است و متهم به غلو، کذب و ضعف است، اما روایاتی را که کلینی از وی در الکافی نقل کرده صحیح است.
۱۴. نهایت دلالت ترخم و ترصی صادر شده از محدثان آگاه به مدالیل الفاظ، شیعه بودن راوی می‌داند و تلازمی با وثاقت وی نمی‌داند.
۱۵. قواعد توثیق راویان کثیرالروایه و توثیق مشایخ صدوق را نمی‌پذیرند.

کتابنامه

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

- أصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، مسلم داوری، قم، محبین، ۱۳۸۳ش.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
- چهار کتاب اصلی علم رجال، سید علی حسینی خامنه‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
- العدة فی أصول الفقه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، قم، تیزهوش، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- قاعدة لا ضرر و لا ضرار، سید علی سیستانی، قم، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- قواعد توثیق راویان، محمد کاظم رحمان ستایش و روح الله شهیدی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۶ش.
- قواعد رجالی، مهدی غلامعلی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۸ش.
- کامل الزیارات، ابن قولویه جعفر بن محمد، نجف، المطبعة المبارکة المرتضویة، ۱۳۵۶ق.
- کتاب الصلاة الجماعة، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.
- کتاب الصلاة المسافر، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.

- کتاب الصوم (شبییری)، موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، بی تا.
- کتاب القصاص، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.
- کتاب المکاسب المحرمه، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.
- کتاب غناء و موسیقی، متن درس خارج فقه آیه‌الله خامنه‌ای در موضوع غناء و موسیقی، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی تا، پنجم، ۱۴۱۳ ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- «تحلیل و نقد حال راویان مُخْتَلَفِ فیه از منظر آیه‌الله خامنه‌ای دامت برکاته و آیه‌الله زنجانی دامت برکاته»، سید حمید موسوی حسب، استاد راهنما: مهدی غلامعلی و استاد مشاور: حیدر مسجدی، رساله سطح چهار حوزه علمیه قم، دفاع شده در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۳.
- «قاعده رجالی اصحاب اجماع از دیدگاه حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای»، مرتضی یقینی پور، پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی، دوره ۱، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۱.
- «نقد و بررسی تفسیر قمی (ساختارشناسی و درون‌شناسی)»، میرزایی، پوران، کارشناسی ارشد پایان نامه علوم حدیث، دانشکده علوم حدیث شهرری، استاد راهنما: محمد علی مهدوی راد، و استاد مشاور: محمدکاظم رحمان ستایش، ۱۳۸۶ ش.
- پایگاه اطلاع‌رسانی آیه‌الله خامنه‌ای (khamenei.ir).
- پایگاه مدرسه فقهت (www.eshia.i). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی